

# کنایه و تحقیر

پدران و مادران باید بدانند که این کنایه‌گوئیه‌ها کودک را به بدرفتاری دعوت میکند و باعث پیدایش حس انتقام‌جویی و کینه‌توزی میشود.

از کنایه‌های تلخ و اشارات زننده، طفل شما بهتر نمی‌شود، لذا باید از بیانات ناخوش‌آیندی از این قبیل خودداری شود. "تو آنقدر بزرگ‌شده‌ای که خوب را از بد تشخیص بدهی و حماقت نکنی"، "تو خیال میکنی که چه هستی که اینقدر پرتوقعی؟" بطور خود آگاه یا ناخود آگاه نباید ارزش

کنایه و تحقیر سلامت روانی کودک را بخطر میاندازد و مانع برقراری ارتباط موثر میشود.

"چند بار باید یک حرف را تکرار کنم؟ مگر کری؟ پس چرا گوش نمی‌کنی؟" "تو خیلی بی‌تربیتی، مگر در جنگل تربیت شده‌ای؟ تو واقعا باید در جنگل زندگی کنی."

"چته؟ دیوانه شدی یا عقلت را از دست دادی؟ میدانم بالاخره عاقبت تو به کجا میکشد."

کودک را در نظر خویش یا همسالانش پائین آورد و او را تحقیر کرد.

\* چگونه دروغ‌گویی بچه را معالجه کنیم

پدران و مادران اغلب از دروغ‌گویی فرزندان‌شان ناراحت و عصبانی میشوند و بخصوص وقتی که دروغ کاملاً واضح و ناشیانه باشد.

وقتی کودک در حالیکه سراسر لباسش شکلاتی است، اصرار دارد که بگوید: "شکلات نخورده" مسلماً "شونده ناراحت و خشمگین میشود. ولی باید دانست که بعضی اوقات دروغ‌گویی اطفال برای آنست که اجازه بیان حقیقت را ندهند، کودکی که اگر، بمادرش بگوید: از برادر کوچکش بزار است، مادر او را تنبیه میکند به دروغ می‌سوزد و بر خلاف احساسش می‌گوید که دروغ است. برادرم را خیلی دوست دارم و دوست دارم او را تحسین کنم. پس چرا می‌گوید که برادرم از من بدتر است؟ کودک از خجسته شدن و خجسته شدن که دروغ راستگویی است، و خجسته شدنش، دروغ‌گویی سودمند است و مادرش دروغ‌های کوچک را دوست دارد.

اگر بخواهیم بچه‌ها راستگو باشند باید آمادگی، شنیدن حقایق تلخ و شیرین، هر دو را داشته باشیم، اگر بخواهیم کودک شرافتمند بار بیاید باید به او اجازه بدهیم تا حالات و احساسات مثبت و منفی و متضاد

خود را آزادانه بیان کند. وقتی اطفال را برای راستگویی تنبیه میکنیم، آنان برای دفاع از خود به دروغ متوسل میشوند.

گاهی اوقات دروغ‌گویی بچه از آن جهت است که آنچه را که در دنیای واقعی نمی‌تواند داشته باشد میخواهد در عالم خیال برای خود فراهم کند. دروغ بیم‌ها و امیدها را نشان میدهد و آرزوهای طفل را آشکار مینماید. با دقت و بینش میشود از دروغ‌های کودک به باطن او پی برد.

وقتی کودک دروغ می‌گوید باید علت آنرا کشف کرد، نه آنکه دروغ رانفی یا محکوم کنیم. اطلاعاتی که از یک دروغ بدست می‌آید میتواند کودک را در تشخیص میان حقیقت و وهم و خیال هم یاری کند.

وقتی بچه شیطانی به ما می‌گوید که یک فیل زنده عیدی گرفته‌است، بجای آنکه بگوئیم دروغ سکوتی، باید بگوئیم: تو وانعا دلت میخواهد یک فیل زنده عیدی بگیری؟ دلت میخواهد یک فیل زنده داشته باشی؟ دلت میخواهد یک باغ وحش داشته باشی؟ دلت میخواهد یک جنگل پر از حیوانات داشته باشی؟ اما برای عید چه هدیه‌ای گرفته‌ای؟

کودک را به دروغ‌گویی وادار نکنید

والدین نباید استوالاتی بکنند که در جواب، دروغ‌های مصلحت آمیز بشنوند

تفنگ جدیدت شکسته‌است، خیلی دوام نکرد.

حیف بابت خرید آن زیاد پول داده بودم. کودک از این واقعه پندی باارزش میگرفت و بیش خود میگفت: پدر مرا درک میکند من سینوانم مشکلاتم را با او در میان بگذارم، از این به بعد باید از هدایائی که برایم میخرد بیشتر مراقبت کنم.

### مواجهه با نادرستی

سیاست ما، در برابر دروغ باید روشن باشد و نباید مطلب را بزرگ کنیم و شاخ و برگ بدهیم و از کودک بخواهیم که به دروغگوئی خود اعتراف کند. یعنی فرزندمان کنایه را که از کتابخانه گرفته بموقع برنگردانده نباید سؤال کنیم: "کتاب را به کتابخانه پس داده‌ای؟ مطمئنی؟ پس چرا هنوز روی میزنت؟" بلکه باید بگوئیم "از موعد پس دادن کتاب گذشته‌است". یا مثلا "وقتی از مدرسه به ما اطلاع میدهند که فرزندمان در امتحان نمره قبولی نیاورده، صحیح نیست که بگوئیم "آیا در امتحان حساب قبول شده‌ای؟ دروغ گفتن مشکل را حل نمیکند، ما با معلمت صحبت کرده‌ایم و میدانیم که تو در این درس مردود شده‌ای" بلکه باید مستقیما "به کودک بگوئیم که معلم حسابت گفت که تو در درس حساب موفق نشده‌ای خودت بگو

چون معمولا "اطفال از اینکه مورد بازخواست پدر و مادر واقع شوند ناراحت میشوند.

بچه‌ها از سئوالاتی که آنان را به دام می‌اندازد، و وادارشان میکند که نامشان دروغ ناشیانه و اقرارشرم‌آور یکی را انتخاب کنند، متنفرند"

"منصور" هفت ساله تفنگی را که پدرش برایش خریده بود شکست و از ترس اینکه مبادا از او بازخواست کنند قطعات تفنگ شکسته را در زیر زمین مخفی کرد. پدرش تصادفاً قطعات شکسته را پیدا کرد و سئوالاتی نمود: "آیا تو که سحر بیک انفجار در زمین مخفی کردی؟"

منصور: "شس حاهاست. پدر: ندیدم با آن بازی کنی. منصور: نمی‌دانم کجاست. پدر: زود باش پیدا کن. منصور: ممکن است کسی آنرا در دیده باشد.

پدر: تو یک دروغگوی لعنتی هستی، خیال میکنی میتوانی مرا گول بزنی؟ چقدر من از آدمهای دروغگو نفرت دارم.

پدر سئالی محکمتری بنحورت ساخت: "پدر که تا عمردارد سزاوار است و دروغگو دروغ نگوید. اگر سزاوار است پس یک کتابخانه را که در آن سحر بیک که می‌بسم

که چطور میتوانیم کمکت کنیم . کوتاه سخن  
آنکه نباید کودک را وادار به دروغگوئی

## بقیه از صفحه ۱۱

طبقات ضعیف داشته‌اند، بینش‌های شدید مبارزه با سرمایه‌داری دارند، افرادی هستند که در این حد یک مقدار تعدیل شده‌تر حرکت می‌کنند و هردو شان هم حق و خیر را می‌خواهند یک مسأله‌ای الان در مجلس مطرح می‌شود همه نمایندگان نشسته‌اند و همه‌شان هم خیر می‌خواهند و همه‌شان هم مسلمانند اما در موقع رای‌گیری یکی این را قبول دارد و یکی ندارد و نمی‌شود که همه را بگوئیم یک‌جور باشید. و در خود شورای نگهبان که فقهای آن از برگزیدگان هستند و از چهره‌های این جمهوری اسلامی هستند، یک مسأله می‌رود ممکن است سه نفر یک طرف باشند، سه نفر یک طرف دیگر و چهار نفر یک طرف باشند و دو نفر در طرف دیگر. خوب این هست. در مراجع، شافق‌ها را ببینید. شخصیت‌های عظیم اسلامی شیعه در طول تاریخ ببینید در مسائل اقتصادی بینش‌های مختلفی ارائه کرده‌اند، در برخورد با کار، اجاره، طبیعت، برداشت از طبیعت و سایر چیزها. و این عیبی ندارد و باید هم باشد و باید هم بحث شود و معیاری هم دارد برای برخورد کردن با دیگران در این اختلافات. مادر اینجا حرفمان آن است و این را جامعه ما خوب توجه کند و یک جامعه رشید و بالغ اینگونه مسائل برایش خیلی آسان‌هضم می‌شود.



مصلحت‌آمیز نمود یا برای دروغگوئی فرصت‌های مناسب برای او به وجود آورد. وقتی بچه‌ای دروغ می‌گوید پدر و مادر باید با واقع بینی و خونسردی و بدون خشم و عصبانیت و با اعتماد به او اطمینان بدهند که دروغگوئی ضرورتی ندارد.